

تبیین مدل هندسی "توسعه" و تکامل دیدگاه‌های توسعه‌ای

نویسنده:

علی اصغر جعفری

کارشناس بودجه سازمان صنایع و معادن لرستان

چکیده

بشر از آغاز حیات خود مدام در تکاپوی بهبود و پیشرفت وضع زندگی خود در همه عرصه‌ها بوده است. این تلاش در نگاه بشر امروز "توسعه" نامیده می‌شود. اما تا چند دهه پیش هرگز خود توسعه موضوع خاص معرفت‌شناسی و یا علمی نبوده است. به تدریج و همراه با پیشرفتهای فکری در نزد متفکران جهانی، توسعه به صورت یک بحث مستقل و مجرد از کارکرد و نتایج خود توجه شد و اصل توسعه موضوعیت یافت. یکی از جنبه‌های ویژه مقوله توسعه، مدخلیت آن در همه علوم است. بنابراین همه‌اندیشمندان در هر زمینه تخصصی و علمی به آن می‌پردازند. مراحل تکوینی توسعه که با مسیر تاریخی آن نیز انطباق دارد؛ بر پایه چهار شکل اصلی هندسه (نقطه - خط - سطح - حجم) قابل تبیین است. در سیر تحول توسعه هرچه از توسعه نقطه‌ای (آغاز حیات بشر) دور می‌شویم و به دوره توسعه حجمی (زمان کنونی) نزدیک می‌شویم؛ بعد غیر مادی انسان بیشتر در کانون توسعه قرار می‌گیرد و انسان از حالت مصرف‌کننده نتایج توسعه، خارج و خود موضوع توسعه می‌شود. مسیر علوم سیاسی و اجتماعی و تغییر در تعیین شاخصهای توسعه از میزان مصرف کالاها مانند فولاد و شکر به شاخص امید به زندگی و سپس شمارگان کتاب و اخیراً دانایی، نشان می‌دهد؛ شاخصهای توسعه انسانی تر و وجه فرا مادی انسان به عنوان محور حجم توسعه قوام می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

توسعه، مدل‌سازی هندسی توسعه، شاخصهای توسعه، توسعه و حکمت، توسعه و جامعه جهانی و آسیب‌شناسی توسعه در ایران.

با مفاهیم و پدیده‌های غیر ملموس روبرو است. آیا اینها نیز

دارای شکل هندسی هستند؟!

ما گاهی که درباره طبقات اقتصادی، گروه‌های اجتماعی،

روابط و ساختار سازمانها، شبکه‌ها و مدل‌های مدیریتی، روابط

سیاسی بین‌المللی، هنر و هر موضوع غیر ملموس دیگر، مطالعه،

بحث و تحقیق می‌کنیم؛ لاجرم در ذهن خود برای آنها اشکال

هندسی خاصی راترسیم می‌کنیم. مثلاً زمانی که از ساختار افقی

و عمودی سازمانها بحث می‌کنیم؛ بدون شک در ذهن ما یک

شکل هندسی خاصی بوجود می‌آید. در مسایلی که به بررسی

۱. مدل هندسی توسعه

درک انسان از پدیده‌های مادی با تصویر ذهنی از آنها

همراه می‌باشد. ذهن آدمی برای مراجعه به هر پدیده‌ای، ابتدا و

یا همراه، شکل هندسی آن را نیز به یاد می‌آورد. گاهی که

پدیده‌ای را نیز تجربه نکرده باشد؛ به طور ناخودآگاه، شکلی را

برای فهم آن تصور می‌کند.

به گفته دیگر، تلاشهای ذهنی انسان، تصویر و یا تصور

هندسی مداوم از پدیده‌ها است. البته انسان در فعالیتهای ذهنی

- پیشرفته‌ها به جای موضوعی به صورت موردی رخ می‌داده است.
- پیشرفته‌ها و آثار آن بسیار کوچک بوده است.
- فضای اندیشه‌ای و عملیاتی پیشرفت محدود بوده است.
- پیشرفته‌ها به صورت اتفاقی، بدون برنامه و پیش آگاهی روی می‌داده است.
- پیشرفت هر مورد در دیگر موارد اثر چندانی نداشته است.
- پیشرفته‌ها بیشتر در جنبه‌های زیستی و ضروری زندگی رخ می‌داده است.
- پیشرفته‌ها در گستره کوچک سرزمینی ایجاد و کمتر به دیگر سرزمین‌ها راه می‌یافته است.
- دوره زمانی برای ایجاد هر پیشرفت، طولانی بوده است.

البته ویژگیهای گفته شده بالا، بیشتر مربوط به دوره‌های نخستین حیات بشری بوده است. اما در گذر زمان و با توجه به ایجاد جوامع کشاورزی و تمدنهای قدیمی، مسیر توسعه شرایط بهتری را می‌یافت. به بیان هندسی، فاصله بین نقاط کاهش و به سمت خط میل می‌کرد.

۴. توسعه خطی (توسعه یک بعدی - توسعه علمی و صنعتی)

همان گونه که گفته شد؛ دوره توسعه نقطه‌ای بر اثر تشکیل جوامع مدنی به سمت خط میل می‌کرد. به بیان دیگر، به تدریج پیشرفته‌ها از خصوصیات دوره توسعه نقطه‌ای دور می‌شد.

نقطه عطف توسعه خطی از حیث نظری در رنسانس و از جنبه کارکردی در انقلاب صنعتی به دست آمد. وجه عمومی توسعه خطی ناظر بر گسترش علوم و فناوری و افزایش تولید و مصرف بود. ویژگیهای توسعه خطی عبارتند از:

- دگرگونی در بنیادهای اقتصادی، اجتماعی، علمی و تکنولوژیکی.
- ظهور اندیشه‌های فلسفی نو (به ویژه رئالیستی و ماتریالیستی).
- طبیعت‌گرایی و جزئی‌نگری و اصالت علم.

متغیرها و روابط میان آنها می‌پردازیم؛ نیز آدمی در ذهن خود نقاطی را برای هر متغیر تعیین و بر مبنای نوع و میزان ارتباط آنها، شکل هندسی خاصی را خلق می‌کند.

اساساً تصور یا تصویر هندسی پدیده‌های ملموس و غیر ملموس از لوازم فعالیت‌های ذهنی در درک آنها است و جز این آدمی قادر به فهم موضوعات به صورت مستقل و منتزع از شکل هندسی آنها نخواهد بود. با این توضیح کوتاه اینک به تبیین مدل هندسی توسعه که به نحوی با تحلیل تاریخی توسعه نیز منطبق است؛ پرداخته می‌شود.

۲. تعریف توسعه

توسعه جامع، فرآیند پیشرفته‌های همیشگی، پیوسته، هموزن، هماهنگ و همزمان در کلیه موضوعات انسانی است. توسعه به رغم دارا بودن اهداف، اجزاء و کارکردهای مادی اما در کلیت خود یک پدیده فرا مادی است. با این تعریف همه کشورها را بایستی در شمار کشورهای در حال توسعه دانست. زیرا مرزهای قطعی و مسلمی برای توسعه‌یافتگی تعیین نشده است؛ هر چند مراتب توسعه‌یافتگی کشورها نسبت به یکدیگر متفاوت می‌باشد. توسعه از نظر تاریخی، مراحل تکاملی خاصی را گذرانده که در یک مدل هندسی قابل تحلیل است. همان طور که پایه هندسه بر نقطه، خط، سطح و حجم استوار است؛ مدل هندسی توسعه نیز بر این چهار پایه بررسی می‌گردد.

۳. توسعه نقطه‌ای (توسعه بدون بعد - توسعه تکوینی)

توسعه نقطه‌ای، ساده و ابتدایی‌ترین نوع توسعه می‌باشد. از نظر تاریخی، شروع آن مربوط به دوره‌های نخست حیات بشری است که انسان هنوز در جامعه متشکل نشده و صرفاً به صورت گروه‌های اجتماعی کوچک و پراکنده زندگی می‌کرده است. پیشرفته‌های به دست آمده در این دوره دارای ویژگیهایی زیر می‌باشد؛ که البته نقطه‌ای بودن آن را نیز توجیه می‌کند:

• اصالت رفاه و مصرف.

• فن‌سالاری و تولید مداری.

توسعه خطی (علمی و صنعتی) و توسعه سطحی (اقتصادی) وجه مادی توسعه محسوب می‌شوند. در این دو مرحله، انسان صرفاً عامل و یا ابزار توسعه بود. پیشرفتهای بدست آمده در این دو مرحله سبب رشد و شکوفایی استعدادها و رواج نهضت‌های فکری گردید. پس از رنسانس که اروپا، دوره استیلای کلیسا و تعطیلی علم و عقل را پشت سر نهاده بود؛ نیازمند تعریف تازه‌ای از انسان بود. جریانات اجتماعی، روشنفکری و فلسفی، بنیانهای ایدئولوژیکی نوینی را برای خلق مکاتب به دنبال داشت. انسان مورد جستجوی همه آنها قرار گرفت. برخی انسان را موجودی اقتصادی و گروهی مجبور تاریخ و عده‌ای او رامقید جامعه یا جغرافیا می‌دانستند. همه آنها در واقع به ماهیت و شخصیت انسان توجه می‌کردند. بنابراین در اثر انسان‌شناسی جدید، ضلع تازه‌ای به مدل توسعه اضافه شد. این ضلع که بر توسعه سطحی و به صورت عمودی وارد شده بود؛ بعد ارزشهای انسانی بود. در این مرحله، انسان صرفاً ابزار و عامل توسعه نبود؛ بلکه به عنوان هدف توسعه نیز موقعیت جدیدی یافت. در دوره توسعه حجمی، در عرصه سیاست، اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و فلسفه به ترتیب موضوعات دموکراسی، تولید برای انسان، انگیزش، حقوق بشر و آزادی و اومانیزم با گرایش ویژه به انسان گسترش یافت.

۶. توسعه حجمی ایستا و متحرک

هرگاه حجم در وضعیت پرسپکتیو نسبت به ناظر قرار نگیرد؛ همواره دو بعد از حجم دیده می‌شود. برای آن که سه بعد حجم به طور کامل دیده شود؛ بایستی حجم به چرخش در آید. در آغاز دوره توسعه حجمی، شرایط ایستا و غیرمتحرک غالب بود. به این معنا که اضلاع توسعه حجمی به صورت دو به دو توجه می‌شد. این حالت مشابه با توسعه سطحی است. با این تفاوت که هر بار دو ضلع از سه ضلع موجود ملاحظه می‌گردید. در این مرحله نگاه به مسایل توسعه عملاً در سه وجه، اما مستقل از یکدیگر بود. گاهی اقتصاد و انسان، زمانی انسان و فن و مواقعی نیز اقتصاد و فن مورد توجه قرار می‌گرفت.

ویژگیهای توسعه خطی در حقیقت همان ویژگیهای رنسانس و انقلاب صنعتی است؛ لیکن طرح دو مطلب برای شناخت بهتر توسعه خطی ضرورت دارد.

در این دوره به دلیل افزایش شگفت‌انگیز قدرت انسان در تسخیر طبیعت، اتوماسیون تولید و ساخت محصولات و مصنوعات متنوع، به سرعت انسان مجذوب علم و صنعت شد و اروپا با استیلای مطلق مهندسی بر سرنوشت خود مواجه شد. در این زمان همه چیز در خدمت تولید بود. هم چنین مصرف و رفاه در کانون توجه و علاقه جامعه بود.

اساساً توسعه خطی بر مبنای پیشرفت علم و صنعت قرار گرفته بود و دیگر ابعاد وجودی فردی و اجتماعی نسبتاً مورد اقبال نبود. به همین دلیل اطلاق نام توسعه یک بعدی و یا توسعه صنعتی و علمی بر توسعه خطی چندان نامناسب نیست.

توسعه سطحی (توسعه دو بعدی - توسعه اقتصادی)

توسعه خطی که بر فن‌سالاری و تولید مداری بنا شده بود؛ دیری نپایید که با مشکلاتی مانند بحران بیکاری، مبارزات کارگری، توزیع نامناسب ثروت، جنگ جهانی، نگرانیهای تامین مواد خام و بازار فروش و ... روبرو شد. پس از آن دریافته شد؛ صرفاً فن و تولید برای پیشرفت کافی نیست و لذا به سرعت مباحث اقتصادی اهمیت یافت. برای رفع این بحرانها، نظریات و رهیافتهای اقتصادی در حوزه خرد، کلان و بین‌المللی در میان علمای روزگار مطرح گردید. بنابراین یک ضلع دیگر بر توسعه خطی به نام اقتصاد افزوده و توسعه سطحی حادث گردید. ضلع جدید ناظر بر رفتارهای اقتصادی و تاثیر آن بر پیشرفت بود. در توسعه سطحی، انسان نیز به طور جدی وارد فرایند توسعه شد. زیرا بخش بزرگی از مباحث اقتصاد مربوط به رفتار و یا وضعیت انسان در زمینه‌های اشتغال، مصرف، پس انداز و ... بود. البته ورود انسان به حیطه مسایل توسعه در این مرحله بیشتر متوجه بعد مادی و غیر معنوی او بود.

۵. توسعه حجمی (توسعه سه بعدی - توسعه انسانی)

در مسیر موفقیت‌های بزرگ در حوزه‌های شناختی و ظهور اندیشه‌ها و نیز افزایش بینش اجتماعی، در مدل توسعه حجمی، تغییر مهمی رخ داد. به منظور رفع اشکال توسعه حجمی ایستا، این بار انسان در مرکز و محور توسعه قرار گرفت و حجم توسعه حول آن به چرخش در آمد. تحرک حجم توسعه، به مفهوم یک جا دیدن انسان، اقتصاد و فن با محوریت ارزشهای انسانی است. توسعه حجمی متحرک که از چند دهه پیش گسترش و نفوذ یافته، مکعبی با قاعده (اضلاع) اقتصاد و فن و ضلع ارتفاعی یعنی انسان است. سرعت افزایش ارتفاع به مراتب بیش از افزایش سطح مکعب است. به گفته دیگر کرامت و تعالی انسانی از اهمیت و جلوه‌ای برتر برخوردار می‌باشد. علت عمود بودن ارتفاع (انسان) بر قاعده (فن و اقتصاد) در مکعب توسعه آن است که اولاً پیشرفت معنوی انسان با موفقیت‌های اقتصادی و فنی نسبت دارد. دوم آن که این مدل نشان می‌دهد؛ وجه اصلی توسعه (انسان) حرکت پیش رونده به بالا و آسمان دارد. حال آن که وجه فرعی توسعه (اقتصاد و فن) به صورت سطحی و در گستره زمین رخ می‌دهد.

ضمناً باید گفت؛ توسعه حجمی متحرک در زمان کنونی، دوره زایش خود را آن هم بیشتر در سطح مردم، روشنفکران و نخبگان آغاز کرده است. بنا بر این نایبستی رخدادهای ناخوشایند دنیای امروز را دلیلی بر ابطال این نظریه دانست.

۷. پسوندهای توسعه

توسعه همواره با یک پسوند، خصوصیت می‌یابد. در دوره‌های توسعه خطی، سطحی و حجمی، به ترتیب پسوندهای علمی و صنعتی، اقتصادی و انسانی آورده شد. این تاکید به منظور تعیین جهت‌گیری توسعه است. در چند دهه اخیر، در ادبیات توسعه، عناوین توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه صنعتی، توسعه سیاسی و... بسیار به کار رفته است. به گفته دیگر، ابعاد متنوع حیات بشری در یک تقسیم‌بندی اعتباری تفکیک و برای هر یک مطالعه و مباحث تقریباً مستقلی انجام می‌گیرد. پرداختن به موضوع توسعه در عناوین فوق، نشان می‌دهد؛ از دیدگاه متفکرین، تحقق توسعه

صرفاً محدود به یک موضوع خاص انسانی نیست؛ بلکه بایستی در هر زمینه مربوط به زندگی بشر، اهدافی را برای توسعه آن منظور داشت.

اما ایرادی که بر این شیوه وارد بود؛ پرداختن مستقل به هر یک از آنها است. زیرا پی‌گیری توسعه در هر موضوع به صورت جداگانه، نمی‌تواند نتیجه مؤثری به دست دهد. روشن است؛ همه عوامل حیات بشری، دارای اثرات متقابلی هستند و لذا یک جا دیدن آنها ضرورت دارد.

با درک این نقیصه، متفکرین دریافتند؛ توسعه در هر عامل به صورت مستقل، کار آمد نیست. لذا ترکیب آنها را در مدل "توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی" مطرح کردند. البته مسیر تحول در انتخاب این عناوین با مراحل تاریخی مدل هندسی نیز انطباق دارد. اخیراً عنوان "توسعه انسانی" مقبولیت یافته است که دقیقاً از اندیشه‌های دوره توسعه حجمی ناشی شده است. یاد آور می‌شود؛ چون صنعت به شدت با موضوعات اقتصادی ترکیب شده است؛ لذا در اندازه یک موضوع مستقل مطرح نیست. به گفته دیگر، صنعت و تولید در ذیل اقتصاد قرار گرفته است.

هم چنین گزینه‌های مانند توسعه صنعتی، توسعه تحقیقات، توسعه آموزش و... با تحلیل فوق تبیین ندارد. زیرا هر یک از آنها در نهایت به یکی از عوامل اصلی اقتصادی، اجتماعی، منتهی و در نهایت در زیر مجموعه توسعه انسانی قرار می‌گیرد. علت بکارگیری این عناوین فرعی برای توسعه، اکثراً متأثر از نگاه سازمانی و یا تخصصی است.

۸. شاخصهای توسعه

به لحاظ نظری توسعه از مفاهیم کلی و فرامادی آغاز و تا تقسیمات کمی و خرد ادامه می‌یابد. بنابراین دارای شاخصهایی برای اندازه‌گیری و مقایسه می‌باشد. تعیین و اندازه‌گیری این شاخصها، غالباً مورد اختلاف صاحب نظران بوده است. اما در یک دسته‌بندی عمومی می‌توان گفت؛ شاخصها در هر مرحله از مدل هندسی توسعه (خطی، سطحی و حجمی) دارای خصوصیات مشترکی بوده‌اند. شاخصها ابتدا ناظر بر عوامل کمی و مادی بوده

(هستی‌شناسی، انسان‌شناسی) مطرح است و علوم صرفاً ابزارهای آن را تشکیل می‌دهند.

در روزگاران آتی از دوره توسعه حجمی متحرک، جهان مجدداً از علم به فلسفه و از جزء به کل رجعت می‌کند. پس از رنسانس که انسان فلسفه را رها و به علم گرائید؛ لاجرم از کلی‌نگری به جزئی‌نگری نیز غلتیده شد. به همین خاطر هر علم به سرعت به چند علم دیگر تقسیم شد. هم‌چنین علوم در مطالعه عناصر مادی آن قدر پیش رفت که مثلاً در فیزیک لایه‌های الکترون را نیز گشودند. اینک در این جزئی‌نگری به آنجا رسیده‌اند که مثلاً برای تحلیل حرکت چاره‌ای جز نظریه پردازیهای فلسفی ندارند به عبارتی حد جزء در کوچکترین قسمت خود به یک کل منتهی می‌شود. به این دلیل است که فیزیک به فلسفه نزدیک می‌شود. بنا بر این مسیر مطالعات علوم به سمت فلسفه حتمی است. این رخداد، به خوبی، مدل هندسی توسعه حجمی متحرک را توجیه می‌کند.

۱۰. توسعه و جامعه جهانی

در آخرین مرحله از مدل هندسی توسعه (توسعه حجمی متحرک) که البته مسیری نامحدود دارد. محور توسعه، انسان و ارزشهای او است بنابراین جهان به صورت عمومی در حال گذر از رقابت به سمت رفاقت است. زیرا محوریت انسان در توسعه، جهات آرمان‌گرایانه و معنوی را پیش رو می‌گذارد و جوامع برای همگونی عناصر بسیاری را در اختیار خواهند داشت.

این عقیده با گفتمان بشر امروز یعنی جهانی شدن و یا جهان‌سازی تطابق دارد به عبارتی این گفتمان دارای ریشه‌های حقیقی در حیات انسان است؛ لیکن در اثر مسایل سیاسی پنهان مانده است

پس برای جلوگیری از تشابه معنی، بهتر است؛ عبارت "جامعه جهانی" را به کار ببریم. در گفتمان جهانی شدن، جنبه‌های اجبار، تسلط و سیادت صاحبان قدرت در عرصه ثروت، زور و اطلاعات مرادف است؛ حال آن که در نظریه جامعه جهانی، مرزهای اقتصادی، سیاسی به تدریج محدود و نوعی در آمیختگی فرهنگی روی می‌دهد.

است؛ سپس با تحول جامعه در مسیر مدل هندسی توسعه، این شاخصها از عوامل فرامادی و کلی‌تر انتخاب شده‌اند. به گفته دیگر، شاخصهای اندازه‌گیری، انسانی‌تر شده‌اند. پیشتر شاخص توسعه در میزان مصرف (فولاد، سیمان، شکر و پروتئین) سپس در عوامل بهزیستی (بهداشت، امید به زندگی) و بعدها در عوامل اجتماعی (دموکراسی، با سواد) تعیین و اندازه‌گیری می‌شده است. در مقطع کنونی از دوره توسعه حجمی، شاخص دانایی، برای معیار توسعه جوامع انتخاب شده است. این تغییرات و جابجاییها در شاخصهای توسعه‌یافتگی کاملاً نشان می‌دهد؛ جهت‌گیری توسعه، انسانی‌تر شده است. شاخصهای مصرف، بهزیستی، اجتماعی و دانایی به ترتیب با دوره‌های توسعه خطی، سطحی، حجمی ایستا و حجمی متحرک انطباق دارد.

۹. توسعه و حکمت

مراحل تکاملی توسعه، نشانگر تفوق تدریجی وجه فرامادی انسانی نسبت به جهات زیستی و اجتماعی است. همان گونه که در تشریح توسعه حجمی گفته شد؛ ضلع عمودی (ارتقاعی) یا وجه ارزشی انسانی، حرکتی بالا رونده و نامحدود دارد. و چون این وجه ناظر بر بعد پیچیده و فلسفی انسان می‌باشد؛ لذا محتوای توسعه به یک یا ترکیب چند علم تخصیص نمی‌یابد. بلکه مخلوط (نه ترکیب) همه علوم در یک فضای معرفت‌شناسی، مایه‌ها و عناصر پیشرفت را تعریف می‌کند. از این رو می‌توان گفت؛ توسعه علم نیست؛ بلکه حکمت است.

حکمت، نوعی هستی‌شناسی است که علوم در آن، ابزار حس هستند و نه شناخت و شناخت از جنس فلسفه است و نه علم.

بنابراین نمی‌توان توسعه را علم نامید. به همین دلیل است که بحث توسعه انسانی به عنوان موضوعی عام در گستره کلیه علوم و در میان همه‌اندیشمندان مطرح می‌باشد.

یکی از اشکالاتی که بر مدل «توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» وارد آمد. علمی بودن آن بود زیرا در این الگو، تعدادی از علوم به طور مجازی در کنار هم، توسعه را شکل می‌دادند. حال آن توسعه انسانی در حوزه شناخت

یکی از دلایل عمده تفرق جهانی، کمبود منابع مصرفی و توزیع نامناسب آن درگستره‌های سرزمینی است بنابراین هر جامعه‌ای که این منابع را در اختیار دارد؛ از استفاده دیگر جوامع (جز در قبال کسب منفعت) جلوگیری می‌نماید این وضعیت، چالشهای فراوانی را در عرصه اقتصاد، سیاست ایجاد می‌کند حال آن که پیش بینی می‌شود؛ در اثر پیشرفتهای شایان علمی - صنعتی و گسترش شگفت انگیز دانش فنی، توانایی انسان به حدی برسد که منابع مصرفی تازه‌ای را کشف و به کارگیرد این منابع که مقید به گستره سرزمینی نیستند و نیز به فراوانی یافت خواهند شد؛ گونه نوینی در روابط جوامع را پیش می‌آورد به گفته دیگر، منابع مصرفی برای جوامع به صورت مشترک و ارزان در دسترس خواهد بود طبیعی است؛ در اثر این رخداد، منازعات جوامع به میزان بسیار بالایی کاهش می‌یابد.

همان طور که حکمای پیشین، عناصر اربعه (خاک - باد - آتش - آب) را منبع چهارگانه حیات می‌دانستند؛ در روزگاران آتی این نظریه به میزان بالایی فعلیت خواهد یافت یعنی انسان با قدرت دانش فنی قادر خواهد بود؛ منابع مصرفی خود را به آسانی و ارزانی از خاک (نه صرفاً معادن و کشاورزی) هوا، آب و آتش (خورشید) به دست آورد اشتراک در منابع مصرفی، چالشهای کنونی جهان را فروکش و در شکل‌گیری جامعه جهانی نقش بسزایی خواهد داشت.

۱۱. آسیب‌شناسی توسعه در ایران

در مدل هندسی، توسعه به صورت مرحله‌ای و در بستر تاریخی تشریح گردید. شاید در این تحلیل هندسی - تاریخی، نوعی جبر تاریخی و رتبی برای توسعه استنباط شود. اما باید گفت؛ این مدل صرفاً مبین واقعیت "تاریخ توسعه" و نه "توسعه تاریخی" است. بنابراین انتظار می‌رود؛ جوامعی که در دوره‌های توسعه خطی و یا سطحی هستند؛ بتوانند با شرایطی در مسیر توسعه حجمی متحرک قرار گیرند.

جامعه ایران اکنون در وضعیت نا متعادل انتخاب مدل توسعه است. نوسان در میان مدل توسعه سطحی و توسعه

حجمی متحرک، آسیبهای جدی بر فرآیند توسعه کشور تحمیل کرده است. آن چه در طرح کلی توسعه ایران شایان توجه است؛ رویکرد نظری به توسعه حجمی متحرک می‌باشد. منابع عقیدتی و فرهنگی جامعه ایران، غالباً متأثر از اندیشه‌های شیعی و به شدت آرمانی و انسانی است. این خصوصیت با وجه ارتقاعی در توسعه حجمی متحرک کاملاً انطباق دارد. با قدری تسامح می‌توان توسعه حجمی متحرک را با گفتمان اسلام توجیه کرد. در اسلام خداوند، مبدا و مقصد انسان آرمانی است. در توسعه حجمی نیز وجه ارتقاعی ناظر بر انسان و ارزشهای معنوی اوست که مسیری بالا رونده و نامحدود دارد. پس هدف در این مسیر خداوند است.

از سویی قاعده توسعه حجمی متحرک بر وجه فنی و اقتصادی توجه دارد در اسلام نیز جنبه اقتصادی به قوت دیده شده است. مذمت فقر و رابطه آن با ایمان از نمونه‌های گفتنی است. هم چنین تاکید اسلام بر شناخت و تسلط بر طبیعت موید توجه اسلام بر بعد فنی است.

در توسعه حجمی، گفته شد؛ قاعده مکعب توسعه (اضلاع فنی و اقتصادی) در زمین و وجه ارتقاعی (انسانی) به سمت آسمان گسترش می‌یابد. در اسلام نیز چنین نگاهی به اقتصاد و انسان ارایه شده است.

به رغم این فضای مطلوب اندیشه دینی، اما در ایران برای انتخاب مدل توسعه بین توسعه سطحی و حجمی متحرک نوسان دیده می‌شود. علل این وضعیت ناشی از عوامل زیر می‌باشد:

- گروه‌بندی متنوع و متعدد در متن جامعه و نیز روشنفکران که از سنتی تا مدرن گسترده است.
- سیاست‌زدگی که به عنوان عامل اصلی در فرآیند توسعه نقش آفرین شده است.
- رویدادهای مقطعی در عرصه داخلی و خارجی مانند : تهدیدات خارج، کاهش و افزایش درآمد نفت، انتخابات - تقاضای جامعه برای موفقیت‌های اقتصادی و اصرار روشنفکران بر پیشرفتهای سیاسی اجتماعی.
- ناپایداری برخی افراد موثر و احزاب در مواضع خود. به نحوی که در مقاطعی به طرز شگفت آور حتی موضع خود

- را با یکدیگر جا به جا می‌کنند بحث تقدم و تاخر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی از نمونه‌های گفتنی است.
- نبود اراده و توانایی کافی در سازمان دولت به عنوان طراح و برنامه‌ریز توسعه در سطح مدیریت میانی و کارشناسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی